

آینه

کیمیان

«رومان‌زندیس» در کامرانیه برای من تخمه در آزادی برای تو!

● **محمد صرفی**...: فردی به یک متنفذ در دستگاه‌های دولتی رشوه میلیاردی می‌دهد تا افراد مورد نظرش را روی صندلی ریاست بانک‌ها بنشاند. همان فرد چند هزار میلیارد تومان بدون ضوابط قانونی از بانک‌ها وام گرفته و بدهکار است. وام‌هایی که به بهانه تولید گرفته شده و بخشی از آن تبدیل به برج‌های افسانه‌ای در مناطق شمالی پایتخت شده است. رئیس بانک‌های مذکور هم ماهی چند صدمیلیون تومان حقوق می‌گرفته‌اند. زیبا نیست؟ البته ماجرا وقتی زیاتر از این هم می‌شود که بدانیذ یکی از ساکنان برج افسانه‌ای «روما زندیس» در کامرانیه، جناب اکبر طبری بوده است. حالا فکر می‌کنید خبر داغ این روزهای فضای مجازی چیست؟ دولت محترم به فتح الفتوحی دیگر دست یافته و موفق شده چند بلوک از صندلی‌های ورزشگاه آزادی را به زنان اختصاص دهد... ملک ویلایی چندصد متری برای فریدون، قصر فرمانیه و وام‌های چندصد میلیاردی برای رفیق گرمابه و گلستان او، حقوق نجومی برای آن مدیر سفارش‌شده و آزادی و تخمه هم برای جوانان عزیز! اعتدال بهتر از این؟!

رومان‌زندان

شبه‌سازی بورس «منهای نفت»

دولت وعده داده نفت را در از آرمدهای بودجه سال آینده حذف کند. بررسی بودجه‌های یک دهه اخیر نشان می‌دهد دست‌کم ۳۰ درصد درآمدهای دولت مستقیما از محل فروش نفت تأمین می‌شود. در طرح حذف این وابستگی، راهکارهای جایگزینی ارائه شده است که آثار کوتاه‌مدت و بلندمدتی بر بورس دارد. مهم‌ترین مسئله، حذف یارانه‌های انرژی است که از نظر هزینه‌ای در کوتاه‌مدت بر سودآوری شرکت‌های بزرگ بورسی اثر کاهشی دارد؛ اما در بلندمدت به چابکی و رقابتی‌شدن بنگاه‌های اقتصادی می‌انجامد. جایگزین دوم، افزایش درآمدهای مالیاتی است که دو محل مالیات بر سودهای سرمایه‌ای و صادرات کالاهای خام را هدف می‌گیرد. با توجه به سهم چشمگیر شرکت‌های تولیدکننده کالاهای پایه در بورس، این اقدامات می‌تواند حاشیه سود آنها را متاثر کند؛ اما در ادامه انگیزه بالایی را برای تولیدات با ارزش افزوده و سود بیشتر ایجاد می‌کند. مسئله پایدانی به واگذاری سهام دولتی و عرضه اوراق بدهی معطوف می‌شود که در ابتدا نگرانی‌هایی را از سمت عرضه سهام و نرخ سود ایجاد می‌کند؛ اما این اقدامات در بلندمدت منافع متعددی از جمله حل مشکل کسری بودجه ساختاری، ثبات بازار ارز، کاهش سود بانکی، تقویت تولید و رقابت‌پذیری بخش خصوصی واقعی به‌همراه می‌آورد که رونق دائمی بازار سرمایه را به‌عنوان آینه واقعی اقتصاد کشور سبب می‌شود.

ایران

موج تازه وارد‌ها در بورس

سیاوش رضایی: از نیمه دوم سال گذشته که قیمت ارز از اوج ۱۸ هزار تومانی خود پایین آمد و ماه‌هاست که در کانال ۱۱ هزار تومانی به ثبات نسبی رسیده است، ترکیب جذب سرمایه میان بازارهای سرمایه‌گذاری به‌طورکامل تغییر کرده است. در سال‌های گذشته روند صعودی و نوسان بالای قیمت‌ها در بازار ارز و طلا بخش عمده‌ای از سرمایه‌های سرگردان را روانه این بازار کرده بود. این نوسان باعث شده بود تا بازارهایی مانند مسکن و خودرو هم میزان سرمایه کلانی باشد؛ اما طولانی‌شدن ثبات قیمت در بازار ارز و طلا پس از یک دوره انتظار، راهی بازارهای پول و سرمایه شده که ضمن ریسک پایین، بازدهی بالاتری نسبت به بازارهای دیگر دارد. بر این اساس از میان سرمایه‌گذاران خرد، عده‌ای سیرده‌گذاری در بانک را که بدون ریسک است انتخاب کرده‌اند، برخی دیگر با شنیدن اخبار بازدهی بیش از ۸۰ درصدی بورس، راه این بازار را در پیش گرفته‌اند... هرچند روند صعودی شاخص کل بورس تهران در ماه‌های اخیر این بازار را جذاب کرده و تعداد متقاضیان برای ورود به این بازار افزایش یافته است، ولی کارشناس به تازه‌وارد‌ها توصیه می‌کنند که با احتیاط گام بردارند. مالی بخش عمومی را طرح و دولت را موظف به انجام آن نموده است؟ اگر سیستم‌های مالی و محاسباتی و نظارت بر آن و گزارش‌دهی و گزارش‌گیری‌های موجود کافی است، پس این تکلیف در حوزه اجرا و اقدام دولت برای چیست

ایسنا: رئیس جمهوری روز گذشته در مراسم تجلیل از دانش‌آموزان مدل‌آور المپیادهای علمی جهانی سال ۲۰۱۹ میلادی با اشاره به ضرورت تلاش برای استفاده هر چه بهتر از فرصت‌های زندگی، گفت: «بخشی از نخبگی مربوط به هوش و حافظه ذهنی افراد بوده، اما بخش عمده‌ای که این نخبگی را ماندگار و درخشان می‌کند، به تلاش و کوشش فردی وابسته است. با توجه به معیارهای دینی و اسلامی حتی قبیل از تولد نیز حالات روحی و روانی و شرایط زندگی اولیا در چگونگی رشد و شکوفایی استعداد فرزندان تأثیرگذار و مهم است.» حسن روحانی با بیان اینکه معتمدکشف استعداد‌های درخشان باید در دوران پیش از مدرسه یعنی از پیش‌دستانی یا حتی دوره‌هایی قبل از آن

روحانی در مراسم تجلیل از دانش‌آموزان مدل‌آور المپیادهای علمی جهانی؛

اگر نخبگان را در زمینه‌های گوناگون جذب کنیم، هزینه‌های اداره کشور پایین می‌آید

آغاز شود، عنوان کرد: «شکوفایی استعداد در انسان‌ها، همواره یکسان نیست و باید فرآیندمحور دیده و مدیریت شود، یعنی ممکن است فردی استعدادش در دوران دبستان شکوفا بوده و در دوره‌های بعد مانند دبیرستان دچار افت شود؛ از این‌رو باید در راستای حفظ و ماندگاری استعداد‌ها در نخبگان برنامه‌ریزی و تلاش داشته باشیم».او چگونگی محیط زندگی و تحصیل را در رشد استعداد‌ها و تداوم شکوفایی آنها تأثیرگذار دانست و گفت: «باید از نخبگان و استعداد‌های درخشان کشور تا پایان دوره تحصیل‌شان مراقبت کنیم تا خدای ناکرده غبار ناامیدی بر درخشان‌بودن آنها نیفتد».روحانی با اشاره به اینکه باید در مشاغل گوناگون و حساس کشور به دنبال جذب افراد نخبه باشیم، افزود: «اگر

صف طویل اصولگرایان برای ورود به مجلس

سرنوشت ناطق در انتظار لاریجانی؟



مهدي کروبی در جریان سفر به آمریکا

نامه‌نیوز: مصطفی هاشمی طبّا گفت: آقای ناطق‌نوری به پختگی و آینده‌نگری قابل قبولی رسیده است که می‌تواند در عرصه سیاسی نقش‌آفرینی مثبتی داشته باشد. بی‌تردید با ورود او به صحنه سیاسی برخی نیروهای افراطی علیه او موضع می‌گیرند که این موضوع ارتباطی به اصلاح‌طلب یا اصولگرا بودن نیروهای تندرو ندارد. البته ورود مجدد آقای ناطق به سیاست منوط به حوصله او برای کار سیاسی است زیرا فعالیت سیاسی مستلزم کار همه‌جانبه است. در چنین حالتی دیگر مهم نیست که چه طیف یا شخصی چه می‌گوید اما احتمال اینکه آقای ناطق اساسا و به هیچ شکلی وارد رقابت‌های سیاسی نشود، به‌شدت بالاست اما در صورتی‌که بخواهد وارد شود، به نظر می‌رسد که انفرادی خواهد آمد و در صورت ورود به صحنه سیاسی نباید نگران حرف‌وحديث‌ها باشد زیرا عده‌ای فعلاثبت او را برنمی‌تابند، در صورتی‌که باید دید چه کسی به آنها گفته است حرکات تند نشان از انقلابی‌بودن است یا اصلا این عنوان را چه بخشی از جامعه به آنها داده‌اند؟ نمی‌شود گفت که ما انقلابی هستیم اما مردم این موضوع را تصدیق نکنند، واقعیت این است که مشک باید خود بپوید، نه آنکه عطار بگوید.

رویارویی در هفته پیش با دیکتاتورخواندن لاریجانی از سوی پژمان‌فر در مجلس شکل تند و علنی‌تری به خود

محسن آرمین مطرح کرد

خانه تکانی در اصلاحات



افراطی در آن نقش تعیین‌کننده نداشته باشد. آن اهداف تأمین شد و با حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات ۹۲ دولتی معتدل روی کار آمد و فضای سیاسی کشور گشایش بیشتری پیدا کرد. به نظر من انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ کام لازمی بود که در ادامه همین راه باید برداشته می‌شد. تصور کنید اگر در انتخابات سال ۹۶ اصلاح‌طلبان از دولت حمایت نمی‌کردند و بعد همین مشکلاتی که امروز شاهد آن هستیم، در سیاست خارجی و توافق‌نامه برجام و در حوزه اقتصادی رخ می‌داد، همین منتقدان امروز چه قضاوت و تحلیلی داشتند؟ آیا اصلاح‌طلبان را متهم نمی‌کردند که به خاطر تیزه‌طبلّی، از حمایت دولت روحانی دست کشیدند و مجلس را به جریان تندرو واگذار کردند و موجب شکست برجام و وضعیت نابسامان اقتصادی کشور شدند؟» او انتقادهای خود به عملکرد جریان اصلاحات را این‌گونه برشمرد: «به عملکرد اصلاح‌طلبان در بستن فهرست کاندید‌ها در انتخابات مجلس و شورای شهر، عملکرد فرامکسوین امید و مدیریت آن در مجلس ... و نقدهای جدی وارد است. امید عریض‌الرأفت با نقدها و اعتراضاتی که به ترکیب شورای‌عالی اصلاحات و سازوکار بستن لیست امید در انتخابات پیشین وارد شد، در ترکیب این شورا و سازوکار تصمیم‌گیری آن تجدید نظر جدی به عمل آید؛ اما متأسفانه تغییرات انجام‌شده انتظارات را برآورده نکرده است. متأسفانه انحصار‌طلبی‌ها و محدودچری‌ها و ... مهم‌ترین عامل نارسایی‌ها و مشکلات یادشده است. این نقدها و اشکالات برای بحث است، مسئله حضور جدی در عرصه رقابت سیاسی بختی دیگر است.»

آرمین مهم‌ترین مشکل جریان اصلاحات را نداشتن یک گفتمان جدید دانست: «اگر اعتراضات و انتقادهای دستوری و سازمان‌یافته را که هدفشان از تأکید بر مشکلات اقتصادی زمین‌زمن دولت است، استثنا کنیم، اصلاح‌طلبان در بیان مشکلات اقتصادی جامعه نظیر تورم و گرانی و بی‌کاری و... و حتی ارائه راهکارها، چه در مجلس و چه بیرون مجلس، کارنامه‌ای قابل دفاع‌تر از دیگر جریان‌های سیاسی دارند. مشکل اصلاح‌طلبان نداشتن یک گفتمان جدید و ناظر به اصلی‌ترین مشکلات کشور است که عدالت‌خواهی و فسادستیزی بخشی از آن است. مشکل اصلاح‌طلبان به گمان من این است که گفتمان آنها به اندازه کافی منسجم، رادیکال، صریح و شفاف نیست. گفتمانی که پیش از این وجود داشت با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی سال‌های اخیر به بازسازی نیاز دارد.»

او تصریح کرد: «این روز‌ها حال اصلاح‌طلبان خیلی خوب نیست.

سیاست

نخبگان را در زمینه‌های گوناگون جذب کنیم، هزینه‌های اداره کشور پایین آمده و شرایط بهتری در راستای توسعه و پیشرفت ایجاد خواهد شد که امروز خوشبختانه در سیستم جذب از سوی سازمان اداری و استخدامی کشور نسبت به جذب نخبگان اقدامات خوبی صورت گرفته است».رئیس‌جمهور با بیان اینکه استعداد و هوش ذاتی انسان‌ها در زمینه‌های مختلف می‌تواند حرکت رو به توسعه و پیشرفت کشور را تسریع کند، گفت: «در دوران دفاع مقدس نیز فرماندهان نخبه‌ای بودند که علی‌رغم آنکه در مسائل جنگی تحصیل نکرده بودند، اما عملیات‌ها را به طور خارق‌العاده برنامه‌ریزی می‌کردند و نشان دادند یک نخبه می‌تواند موجب پیروزی در یک عملیات شود.»

این شکاف احتمالا همچنان پیش خواهد رفت و گسترده‌تر از پیش خواهد شد تا جایی که پیش‌بینی می‌شود در انتخابات سال جاری اصولگرایان مجبور خواهند بود بین لاریجانی و طیف او و جبهه پایداری و نزدیکانشان یکی را انتخاب کنند. انتخابی‌که صف‌کنشی‌های انتخابات ۱۴۰۰ را هم شفاف‌تر خواهد کرد. هیچ بعید نیست روندی که در دورافتادگی ناطق از جریان اصولگرایی به لحاظ نقشی و هویتی رخ داد برای لاریجانی هم تکرار شود. آنها آن زمان بین ناطق و احمدی‌نژاد طرف دومی را گرفتند؛ حالا هم بعید نیست جانب جبهه پایداری را بگیرند. با این تفاوت که آن زمان و بعد از آن ناطق نسبت به باقی‌ماندن در قدرت بی‌میل بود و شد اما این میل هنوز در علی لاریجانی خاموش نشده است. تفاوت دیگر این است که به نظر می‌رسید ناطق اهل عده و عُده در سیاست نبود و فردی عمل می‌کرد. علی لاریجانی اما حلقه و طیف خاص خودش را دارد. اگرچه در روزهای اخیر حضور ناطق‌نوری در جلسه جامعه روحانیت مبارز را برخی تعبیر به بازگشت او به دامن اصولگرایی کرده‌اند اما بعید به نظر می‌رسد که ناطق دوباره به روزهای اوج خود بازگردد و بتواند نقشی محوری در جریان اصولگرایی بازی کند. جریانی که این روز‌ها بیش از همه درگیر اختلاف است و کمتر از همیشه امکان جمع‌شدن آن ذیل یک رهبری واحد ممکن است.

لاریجانی یک دشمن قسم‌خورده دیگر هم دارد؛ احمدی‌نژاد و نزدیکانش. آنها اگرچه این روز‌ها با طیف جبهه پایداری و دیگر اصولگرایان رویه دارند اما حداقل در یک چیز یعنی لاریجانی‌زدایی اشتراک منافع دارند.

احمدی‌نژاد بار‌ها به صراحت جلو دوربین گفته است که با این خاندان مشکل دارد.

اصلاح‌طلبان به گفتمانی جدید و یک خانه‌تکانی اساسی نیاز دارند. پنجره‌ها را باید باز کنند تا هوای تازه وارد شود. وسایل کهنه و زنگارگرفته را باید دم در یا سر‌کوچه بگذارند تا سمساری ببرد... اصلاح‌طلبان در دهه ۷۰ و ۸۰ خود در چارچوب‌های متغیری که از نظر آنان ناکارآمد، فسادآلود و نیازمند تحول بود، بازی نمی‌کردند. در پی روش‌هایی نظیر لای‌های پشت‌پرده نبودند. به نیروی اجتماعی حامی خود متکی بودند و به همین سبب توانستند حتی در سخت قدرت تأثیر جدی بگذارند. رقبای اصلاح‌طلبان به‌تدریج گزیر شدند مانند آنها حرف بزنند، مانند آنها شعار بدهند و مانند آنها رفتار کنند. باید اعتراف کرد که به‌سبب دشواربودن اصلاحات در ایران و در نتیجه طولانی‌بودن مسیر آن که با ناکامی‌هایی نیز همراه بوده، بخش‌هایی از اصلاح‌طلبان به حضور در قدرت عادت کرده‌اند. این‌گونه تصور می‌کنند که نفس حضور در مجلس و داشتن مسئولیت اجرایی هدف است. بنابراین برخی از آنها برای بقا به زویندهای پنهان روی آورده‌اند. برخی به مسائل مالی آلوده شده‌اند. اصلاح‌طلبان سالم واقعی باید حساب خود را از این بخش‌ها و افراد جدا کنند.

محسن آرمین دربرابر جوان‌گرایی در اصلاحات گفت: «با این عناوین مشکلی ندارم اما به مناسبت پرسش شما می‌خواهم به نکته‌ای اشاره کنم که شاید با انتقاد دوستان جوانم مواجه شود. اما به عنوان کسی که از سال ۸۳ مجلس استعفا داده و تاکنون هیچ پستی نداشته و نخواهد داشت، ذکر این نکته حمل بر منافع شخصی نخواهد شد. متأسفانه هرگز نتوانستم با شعار جوان‌گرایی که چند سالی است مطرح شده، کنار بیام. نه از این حیث که با جوان‌گرایی مخالفم، برعکس معتقدم بشرط حیات و پویایی یک جریان دمیدن خون جدید در رگ‌های آن است. بلکه به این دلیل که به انگیزه‌های طرح این شعار مشکوک... توجه داشته باشید شعار جوان‌گرایی اولین‌بار ازسوی جریان اصولگرایی افراطی و جبهه پایداری در برابر بخش سنتی این جریان که مشی معتدلی داشت، مطرح شد. دعوای آنها دعوای قدرت بود. افراطیون پس از دو دهه فعالیت زیر پرچم محافظه‌کاران سنتی، با روی‌کارآمدن دولت احمدی‌نژاد حضور مستتقل در عرصه سیاسی را تجربه کردند. آنان که این‌بار از حمایت کانون‌های قدرت برخوردار بودند پس از کسب این تجربه اکنون خواهان تصاحب همه قدرت بودند. بنابراین خیلی علنی و محترفا داده و تاکنون هیچ اصلوگرای سنتی می‌خواستند اعلام بازنستگی کنند و کنار بروند. اما در میان اصلاح‌طلبان چطور؟ برخی از دوستان ما در مجلس به گمان من فریب این شعار را خوردند و طرح جوان‌گرایی در کادر مدیریت کشور و بازنستگی مدیران مسن را ارائه دادند که با استقبال فرانکسیون‌های دیگر مواجه شد. نتیجه کار چه شد؟ مدیران اصلاحات مؤثر بر اساس این قانون از بدنه مدیریت اجرایی دولت حذف شدند. اما مدیران مسن اصولگرا مجد به پست‌های قبلی خود بازگشتند... برخی دوستان ما در احزاب اصلاح‌طلب با شعار جوان‌گرایی علیه افراد باتجربه اصلاحات موضع گرفتند و اختلاف و انشعابی در درون اصلاح‌طلبان پدید آمد، کسی هم نپرسید در شرایطی که اصلاح‌طلبان از قدرت حذف شده‌اند، به‌طوری‌که در انتخابات مجلس و دولت ناکزیرند از کاندید‌های غیراصلاح‌طلب حمایت کنند؛ چه موقع طرح این شعار است؟ به نظر من این شعار به‌جای احزاب اختلاف و بدبینی در جبهه اصلاحات نتیجه دیگری نداشت.»

روزنه

رئیس‌دفتر رئیس‌جمهوری:

خنده‌های روحانی‌نشان‌دهنده اعتمادبه‌نفس ملی‌بود

● **رئیس دفتر رئیس‌جمهوری** در گفت‌وگویی به تشریح دو سفر اخیر روحانی یعنی اجلاس اوراسیا و مجمع عمومی سازمان ملل متحد پرداخته است. بخش‌هایی از مصاحبه محمود واعظی را به گزارش «ایسنا» می‌خوانید.

● **سفر رئیس‌جمهور به نیویورک**: حضور ریاست محترم جمهوری در سازمان ملل، شکست سیاست‌های خودخواهانه آمریکا برای انزوای سیاسی ایران را به تصویر کشید و این مهم‌ترین دستاورد این سفر بود، چراکه به همه دنیا اثبات شد که ایران قابل تحریم نیست. سناریوی آمریکا حضورداشتن ما و بازنامیسی انزوای سیاسی ما در مهم‌ترین مجمع جهانی بود و طبعاً اگر نمی‌رفتیم، سناریوی آنجا را کامل کرده بودیم. اتفاقاً برعکس، استراتژی ما حضوری فعال‌تر از هر سال بود که هم از حیث دیدار‌ها و هم بازتاب رسانه‌ای بحمدالله در آن موفق بودیم. توجه داشته باشید که به معاون اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور و کل تیم رسانه‌ای ما ویزا ندادند؛ اما نتوانستند صدای ملت ایران و نمایندگانش را در نیویورک محکوم نگه دارند. قطعاً حضور و بودن در صحنه‌ها برای نظام همیشه مؤثر بوده است و هیچ‌گاه از حضور در صحنه‌های بین‌المللی ضرر نکرده‌ایم؛ آقای دکتر روحانی معتقدند برای دفاع از حقوق ملت ایران باید حضور قوی داشته باشند.

● **محدودیت صدور ویزا برای هیئت ایرانی**: شاید باید گفت که بی‌سابقه‌ترین سطح ملاقات‌ها را در تاریخ جمهوری اسلامی ایران در این سفر داشتیم. در ۹۰ ساعت حضورمان در سازمان ملل ۱۹ برنامه کاری جدی داشتیم. آقای روحانی علاوه بر دیدار با دبیر کل سازمان ملل متحد با ۱۵ نفر از سران کشور‌ها دیدار کردند و گفت‌وگوهای متعددی انجام شد. نکته اساسی این است که استراتژی و طراحی آمریکا این بود که بعد از تحریم اقتصادی، یک تحریم خودساخته سیاسی و رسانه‌ای هم بر ما تحمیل کند که با شکست مواجه شد. با وجود همه محدودیت‌هایی که آمریکا با استفاده از ابزارهای غیرقانونی و برخلاف تعهدات خود به‌عنوان میزبان و البته عضو سازمان ملل برای محدودکردن فعالیت هیئت ایرانی ایجاد کرده بود، هیئت ایرانی حضوری قوی داشت و در دو نشست پرسش و پاسخ با مدیران مسئول رسانه‌های آمریکایی و نخبگان سیاست خارجی و انجام دو مصاحبه مهم تلویزیونی سخنان خود را به همه مردم جهان بیان کردیم. از طرفی سطح بالای دیدارهای دوجانبه میان ایران و سایر کشور‌ها موجب شد حجم اصلی اخباری که در سطح جهان از رویداد نشست سازمان ملل پخش می‌شد، مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با ایران باشد و این نیز بیانگر اهمیت نقش ایران در جامعه بین‌الملل است و نشان‌دهنده اثبات حقانیت ایران در برابر سیاست‌های دولت آمریکا.

● **تلاش‌های کشورهای متعدد برای انجام مذاکره میان ایران و آمریکا**: در تمامی دیدار‌ها بحث برجام و مذاکره با آمریکا مطرح شد، ولی همه سران کشور‌ها بدون استثنا خروج آمریکا از برجام و تحریم‌ها را محکوم کردند و ما هم به کشور‌های اروپایی گوشزد می‌کردیم که نمی‌توان انتظار داشت که برجام باقی بماند، ولی فقط ایران هزینه بدهد؛ اما موضع جمهوری اسلامی این معین بود و تأکید کردیم به‌هیچ‌وجه به مذاکره با آمریکا در شرایط فشار و تحریم نخواهیم پرداخت و به‌صراحت به اروپایی‌ها گفتیم که اگر آمریکا تمامی تحریم‌ها را لغو کنند، بعد از آن آماده حضور در جلسه ۵+۱ هستیم و تأکید کردیم ما در فضای تحریم مذاکراتی نخواهیم کرد. از طرفی باید بگویم که تلاش اروپا برای تدارک دیدار رئیس‌جمهور با ترامپ نشانگر اقتدار جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌الملل است. البته این دیدار‌ها محدود به برجام نبوده و درباره روابط دوجانبه و مناسبات نیز صحبت‌هایی داشته‌ایم؛ برای مثال درباره حوادث منطقه و موضوع نص صحت شد و طرح ایران برای برقراری صلح و امنیت در منطقه مورد بحث قرار گرفت.

● **مسئول‌دانستن ایران در حمله به تأسیسات نفتی عربستان**: در دیدار با مقامات آلمان، فرانسه و انگلیس بر لزوم مسئولیت‌پذیری آنها در قبال تعهداتشان نسبت به برجام تأکید کردیم و اعتراض و انتقاد شدید خودمان را نسبت به بیانه مشترک این سه کشور مطرح کردیم. اتهام‌زندان به ایران در بحث حمله به راکمو نه اطلاع دقیقی از توان نظامی یمنی‌ها داشتند و نه مدرکی درباره دخالت ایران و در این چهار روز بار‌ها مطرح کردیم که هر سندی دارند ارائه کند که هیچ چیزی ارائه نشد. ● **خنده‌های رئیس‌جمهور در دیدار با نخست‌وزیر انگلیس**: به نظر بهترین پاسخ به پیشنهاد و اصرار وزرای خارجه فرانسه و انگلیس برای دیدار با ترامپ، همان خنده‌ای بود که رئیس‌جمهوری داشتند. این نشان‌دهنده اعتمادبه‌نفس ملی و نماد شکست فشار حداکثری بر ایران است.